

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

مطلب دوم

مطلب دوم در این بحث این است که مرحوم شیخ (أعلي الله مقامه الشریف) بین مسئله بول یعنی ابوال طاهره و ادویه فرق گذاشته است. بعد از اینکه ایشان می فرماید روی مبنای اینکه بگوئیم شرب بول طاهر جایز نیست معامله آن هم صحیح نیست، می فرماید کسی کلام ما را با ادویه نقض نکند و بگوید ادویه در حال اختیار خوردنش جایز نیست معامله اش برای حال اضطرار، پس در ابوال هم باید همین حرف را بزنیم، در ادویه خوردنش در حال اختیار جایز نیست اما وقتی حال اضطرار شد خوردنش جایز است و معامله روی آن هم صحیح است.

نظر مرحوم شیخ (ره) در فرق باب ادویه با ابوال طاهره

می فرماید در باب ادویه مسئله از باب تبدل موضوع است، یعنی دوا در غیر حال مرض عنوان اضرار به نفس را دارد، اما وقتی که فی حال المرض شد موضوع تبدل پیدا می کند و این دوا عنوان نفع را پیدا می کند و دیگر عنوان اضرار را ندارد. موضوع تبدل پیدا می کند اما در باب ابوال تبدل موضوع نداریم. اینطور نیست که بگوئیم فی حال الاختیار خوردن بول عنوان اضرار را دارد اما فی حال الاضطرار، بول عنوان نفع را دارد. جواب مرحوم شیخ از نقض به ادویه این شد که در باب ادویه تبدل موضوع است اما در باب بول مسئله تبدل موضوع در کار نیست.

بررسی نظر مرحوم شیخ (ره)

می خواهیم کلام مرحوم شیخ را بررسی کنیم که آیا واقعا بین ادویه و ابوال از این جهت می توانیم فرق بگذاریم یا نه؟ **اولا** در باب ادویه ممکن است که دارویی فی حال غیر مرض، فی حال السلامة عنوان اضرار هم نداشته باشد، اینطور نیست که بگوئیم ادویه در حالت سلامت به عنوان اضرار برای انسان حرام است، اصلاً ممکن است تحت عنوان اضرار نباشد. فی حالة السلامة ارزش و مالیتی ندارد. اگر انسان سالم باشد یک خروار دارو هم بیاورند مالیتی ندارد، اما فی حال المرض عنوان ارزش و مالیت پیدا می کند.

ثانیا: آیا واقعا در باب ادویه مسئله از باب تبدل موضوع است؟ در باب صلاة مسئله تبدل موضوع مطرح می شود. یعنی نماز، تمام موضوعش للحاضر است و نماز قصر، موضوعش للمسافر است، اگر کسی در وطن خود است و عنوان حاضر را دارد

از وطن خود به مسافرت می رود موضوع تبدیل پیدا می کند عنوان مسافر را پیدا می کند . آیا در باب ادویه واقعا تبدیل موضوع است؟ می گوییم آن زمانی که خوردن این دارو حرام بود للإضرار بود، اما حالا که این شخص مریض شده و فی حال المرض است خوردن این دارو عنوان نفع را دارد. این بسیار مشکل است، نمی توانیم بگوییم اینجا تبدیل موضوع وجود دارد، این دارو به عنوان اولی حرام است و به عنوان ثانوی عنوان واجب را پیدا می کند، اما این را نمی توانیم بگوییم که واقعا تبدیل موضوع است .

در تبدیل موضوع هر دو عنوان اولی اند. در تبدیل موضوع می گویید نماز واجب است به نحو نماز تمام برای حاضر و به نحو نماز شکسته برای مسافر، هر دو هم عنوان اولی را دارد، یا در احکام اضطراریه، تیمم و طهارت موضوعش ممکن است تغییر پیدا کند اما تمام اینها عنوان اولیه را دارد. اما عناوین ثانویه خود یک عنوان دیگری محقق می شود که موجب تغییر حکم هم می شود اما دیگر بحث تبدیل موضوع نمی شود. اگر کسی بگوید در باب عناوین ثانویه هم می گوییم این تبدیل موضوع است، می گوییم اگر آب برای بدن انسان ضرر نداشته باشد حکم اولش وضو است حکم ثانوی آن تیمم است، اگر ما تبدیل موضوع را در عناوین ثانویه آوردیم کلام مرحوم شیخ تمام می شود، اما به حسب اصطلاح، تبدیل موضوع را فقط در همان احکام و عناوین اولیه مطرح می کنند .

نکته سوم که قوی تر هم هست این است که به مرحوم شیخ عرض می کنیم که در ابوال هم تبدیل است، اگر ما تبدیل را در عناوین ثانویه پذیرفتیم بین ابوال و ادویه چه فرقی دارد ؟ می گوییم دارو در حالت سلامت حرام و در حالت مرض واجب است، بول هم همینطور، در حالت اختیار حرام و در حالت اضطرار حلال است.

همانطوری که در باب ادویه به ملاک عناوین ثانویه تبدیل را پذیرفتید باید در اینجا هم مسئله تبدیل را بپذیرید. به نظر ما بین مسئله ابوال و مسئله ادویه هیچ فرقی وجود ندارد، نمی توانیم بگوییم در آنجا بحث تبدیل موضوع است اما در اینجا تبدیل موضوع نیست .

کلام مرحوم ایروانی(ره)

حالا که در اینجا این مطلب روشن شد یک کلامی را مرحوم محقق ایروانی دارند که می فرماید به نظر ما فارغ بین ابوال و ادویه این است . بول البته روی فرض اینکه شربش حرام است با ادویه که در حال اختیار خوردنش حرام است، در ادویه به ملاک اضرار می گوییم حرام است، چون آدمی که مریض نیست دارو غالباً برایش ضرر دارد. مرحوم ایروانی فرموده فرق بین آن حرمت و این حرمت این است که در باب ابوال، حرمت به ذات شیء ملحق می شود، می گوییم شرب این بول حرام است، اما در باب ادویه، حرمت اگر به ملاک اضرار بیاید ملاک اضرار ملاک اولی نیست و لذا اگر برای کسی که اضرار دارد حرام است همین شیء برای کسی که اضرار ندارد حرام نیست.

ما نمی توانیم بگوییم همان حرمتی که به خمر تعلق پیدا کرده، اگر گفتیم خوردن دارو در حال اختیار اگر ضرر داشت حرام است بگوییم این هم همان حکم است، اصلاً اضرار یک عنوان ثانوی است – وسط فرمایش مرحوم ایروانی نکته ای عرض می کنم؛ در باب اضرار شارع دارو را بما آنه دارو حرام نکرده است، اگر ضرر داشته باشد این ضرر به اختلاف زمان و اشخاص و آمزجه متفاوت است، چیزی برای کسی ضرر دارد و برای کسی ضرر ندارد – مرحوم ایروانی می فرماید اینکه به ملاک اضرار حرام است يلحق بشيء اما نه به ذات شي بلکه من جهت الكمیه ملحق می شود،

چرا؟ می فرماید ضرر یک چیز دفعی نیست، وقتی می گویند چیزی برای شما ضرر دارد یعنی اگر امروز استفاده کنید، فردا استفاده کنید، اگر این را همینطور مرات متعدد استفاده کردید آنوقت ضرر محقق می شود، به مجرد یکبار که ضرر، آن هم

ضرري که موجب حرمت باشد نیست اما اگر مرات متعدد باشد اضرار بوجود مي آید و آن وقت حرام مي شود. مرحوم ابرواني مي فرمايد اگر ما بخواهيم بين بول و ادويه فرق بگذاريم فارقش در اين است که در باب بول حرمت به خود شيء تعلق پيدا مي کند، اما در باب ادويه چون به ملاک اضرار است حرمت به خود شيء تعلق پيدا نمي کند بلکه حرمت به کم شيء تعلق پيدا مي کند.

تذکر یک نکته

نکته اي که وجود دارد اين است که ما در اشيايي که بخواهيم در شريعت بگوئيم به عنوان اضرار حرام است آیا اصلاً چنين حکمي را به عنوان اولي در شريعت داريم که شرع بگويد هر چيزي که بر انسان ضرر وارد کند حرام است؟ کثيري از فقهاء چنين مطلبي را منکرند يعني ما بخواهيم بگوئيم اگر چيزي براي انسان ضرر دارد حرام است به اين عنوان، کثيري از فقهاء منکر هستند. اگر کسي غذاي زيادي بخورد، اگر کسي پر خوابي کند، اگر کسي به حالت معين يکجا بنشيند که بعداً کمر او موجب عيب شود. اين چيزهايي است که در بين مردم فراوان وجود دارد اگر بخواهيم بگوئيم چيزي به عنوان اضرار حرام است بايد کثيري از مباحات را بگوئيم در شريعت حرام است.

کلامي از مرحوم خوئي(ره)

مرحوم آقاي خوئي در کتاب مصباح الفقاهه، ص 77 اين بيان را دارند؛ بعد از اينکه فرموده اند اضرار عنوان غير مضبوطي است، براي شخصي ممکن است اضرار داشته باشد و براي شخصي نباشد، و بعد فرموده «وقد تمسک بعض العامة بذلك عند بحثنا معه في حرمة شرب التتن» مي فرمايد ما با بعضي از عامه راجع به شرب توتون مباحثه کرديم و آن شخصي که از علماي عامه بود درباره اين مسئله ضرر صحبت کرد، و اجبنا عنه ما جواب داديم «بأنه لو صح ما أضر كثيره فقليله حرام» بعضي ها روي اين مبناي ابرواني مي گویند درست است ضرر به کم متعلق است، اگر چيزي کثيرش حرام شد قليش هم بايد حرام شود.

در صفحه قبل مي فرمايد ما در هر جا دليل داشته باشيم «ما كان كثيره حرام فقليله حرام» در مورد خمر ما دليل داريم، اما اگر کسي در فقه بگويد اگر چيزي کثيرش حرام شد بايد قليش هم حرام باشد مي فرمايد ما قبول نداريم. اگر کسي اين حرف را بزند «للزوم الالتزام بحرمة جميع المباحات» لازمه اش اين است که ما ملتزم شويم به اينکه جميع مباحات حرام است «فان من الواضح أنه ما من شيء في العالم الا و تكون مرتبة خاصة منه مضرة للمزاج» هيچ شيء در عالم نیست که مرتبه خاصه از آن براي انسان ضرر دارد، اگر انسان زياد بخورد يک وقتي انسان به حدي بخورد که به حد مرگ برسد آن خودکشي است، اما اگر زياد خورد به حدي که براي بدن او واقعا ضرر دارد آیا فقيه مي تواند ملتزم شود به اينکه حرام است، اگر زياد آب بخورد به طوري که براي او ضرر داشته باشد، اگر زياد راه برود به طوري که براي استخوانهاي او ضرر داشته باشد، ما دليلي نداريم بر اينکه اگر چيزي ضرر داشت براي مطلق ضرر اين قطعا حرام است.

البته گاهي اوقات ضرر منجر به تلف نفس مي شود که آن عقلاً هم حرام است، اما اگر سبب يک سري آثار شد، مثلاً در باب دخان اولاً ضرري که در دخان است يک ضرر تدريجي است، مثلاً اگر کسي الان يکبار يک سيگار را استفاده کند اطبا مي گویند اين ضرر دارد اما ضرري نیست که او را از بين ببرد، ضرري نیست که حتي موجب بسته شدن عروق او بشود، ضرري نیست که همين يکبار موجب سرطان او بشود، لذا نمي شود از نظر فقه ملتزم به اين معنا شد. اصلاً نمي توانيم بگوئيم در فقه اگر چيزي براي انسان ضرر داشته باشد شارع آن را حرام کرده است. علماي ما شب تا صبح مي نشستند و مطالعه مي کردند، اين براي بدنشان ضرر دارد، از هر طببي هم سوال کنيم مي گوید ضرر دارد، آیا مي توانيم ملتزم به اين بشوئيم که حرام است نه ضرر فقط در آنجا يي که منجر به تلف شود، از باب اين که اتلاف نفس انسان حرام است حرام است، اگر کسي بگويد

من این دخان را استعمال می کنم و یقین هم دارم به مرگ طبیعی می میرم، در 90 سالگی و 80 سالگی امراض و سرطان می آورد، اما من می خواهم سرطان را داشته باشم، سرطانی نیست که کشنده باشد، بلکه اینطور که اطبا می گویند سرطانهایی متعدد می آورد اما اگر گفتند اینها قابل معالجه است ما از نظر فقهی نمی توانیم بگوییم این حرام است .

نتیجه کلام مرحوم ایروانی و خوئی

از همین مباحث مثل مرحوم ایروانی و مرحوم آقای خوئی در مصباح الفقاهه به خوبی روشن می شود این که در شریعت چیزی به عنوان اولی به جهت ضرر حرام باشد نداریم . اگر منتهی به اتلاف نفس شود حرام است، تازه اگر چیزی که منتهی به اتلاف نفس می شود مثل اینکه بگوییم من این سم را می خورم و می دانم این سم مرا می کشد، اما اگر تدریجی باشد و تدریجی هم معلوم نیست که بعد از 70 سال، فقط مستند به همین هم باشد آن دیگر معلوم نیست که در اینجا عنوان حرام را داشته باشد .

نتیجه مطلب دوم

فرق بین ادویه و ابوال در همان نکته ای است که ما بیان کردیم این مطلب دوم . که عرض ما به شیخ انصاری این شد که بین بول و ادویه فرقی وجود ندارد اگر در باب ادویه با قطع نظر از اشکال اول و دوم، شما تبدل موضوعی هستید عین همان کلام در ابوال هم جریان پیدا می کند و هیچ فرقی بین اینها نیست . در این مطلب دوم هم حاشیه مرحوم ایروانی را ببینید که ایشان باز هم تاکید می کند که در باب ادویه قبل از فعلیت الاضطرار هم معامله اش صحیح است، یعنی اگر کسی مریض نیست اما دارویی می خرد برای اینکه اگر روزی مریض شد از آن استفاده کند باز هم همه می گویند معامله صحیح است .

مطلب سوم

مطلب سوم را شیخ فرموده در سباع و درندگان بین لحم اینها و شحم اینها فرق وجود دارد . فرموده لحم سباع از قبیل ابوال است اما شحم اینها از قبیل طین است، همان طوری که در طین معامله روی آن جایز است در شحوم سباع هم معامله روی اینها جایز است، در باب لحوم لحم منفعت محله ای ندارد الا اکل و چون اکلش هم حرام است مالیت ندارد، اما در باب شحوم امکان صرف در سایر موارد دارد. اینجا باز همان مطلبی که شبیه مطلب اول گفتیم را می گوئیم که ملاک حرمت اکل یا حرمت منفعت محله و اینها نیست. ملاک این است که مالیت دارد یا نه؟ اگر لحم سباع مالیت داشت، کسی سباع را پرورش دهد برای اینکه از گوشت او برای سایر حیوانات استفاده کند یا برای دارو استفاده کند، اگر مالیت داشته باشد معامله اش هم صحیح است و اگر مالیت نداشت و منفعت محله عقلاییه هم نداشت اینجا هم صحیح نیست. ما نمی توانیم بین لحم و شحم سباع فرق بگذاریم و بگوییم لحمش عنوان ملحق به بول را دارد اما شحمش ملحق به طین است.

انتهای مسأله اول

اینجا مسئله اولی تمام می شود با این نکاتی که عرض کردم مکاسب هر چه انسان در آن دقت کند مطلب بدست می آورد به این بحث هم اکتفا نکنید و کلمات محشین و بزرگان را ببینید . مکاسب محرمة از موارد مهمی است که با مسائل جامعه ما ارتباط دارد.

و صل الله سيدنا محمد وآله اجمعين.